

کودکان باید از گزند مذهب در امان باشند! یک نگاه موردی به مخالفت مذهب با انتقال خون

جلیل بهروزی

۵ ماه مه ۲۰۰۵

jalil1917@yahoo.com

دختر بچه ۱۴ ساله ای در ایالت بریتیش کلمبیا کانادا به سرطان خون مبتلا است. پزشکان تشخیص داده اند مداوای او از طریق انتقال خون ممکن است. در غیر این صورت خطر مرگ دختر کوچک را تهدید میکند. خانواده او از آنجایی که متعلق به فرقه مذهبی جهوا ویتنس (یک شاخه ای از مسحیت، که در امریکای شمالی بیشتر فعال است) هستند با اینکار مخالف بوده و آن را بر علیه اعتقادات مذهب خویش میدانند. دادگاه این استان حکم داده است از آنجایی که مریض زیر سن قانونی است عمل انتقال خون باید صورت گیرد و در صورت امتناع، مداوای کودک زیر سرپرستی سازمان خدمات خانوادگی ادامه خواهد یافت. این تصمیم دادگاه موجب شد تا خانواده کودک به ایالت انتاریو آمده تا شاید دادگاهی دیگر بر خلاف حکم قاضی استان بریتیش کلمبیا، آنها را مجاز دانسته که از عمل انتقال خون دخترشان جلوگیری کنند. اما قاضی دادگاه تورتو بر حکم قاضی اول صحنه گذاشت. وکیل خانواده کودک در جمع خبرنگاران معترضان میپرسید "سؤال اصلی این است وقتی که مسئله مداوای پزشکی به میان میاید چه کسی باید تصمیم گیرنده باشد؟ دولت، دکتر و یا مریضی که از ظرفیت تصمیم گیری برخوردار است؟"

این سؤال معتبری است، اگر که سن فرد مریض را در نظر نداشته باشیم. در این مورد مریض، کودک ۱۴ ساله ای بیش نیست. همانطور که در خیلی از موارد نه خانواده و نه دولت به کودک اجازه نمیدهند که در مورد همه امور مربوط به خود، خود تصمیم بگیرد در این رابطه نیز نباید اجازه داد که تصمیم گیرنده در مورد سلامتی، خود او باشد. بخصوص که

مسئله مرگ و زندگی کودک هم در میان است. همین طور آنجایی که تصمیم خانواده، کودک را با خطر مواجه میکند باید جامعه و دولت پا به میدان بگذارد و امنیت و سلامتی کودک را اولی بداند.

آن چه که به این کیس معین خود ویژه گی میدهد مسئله دخالت مذهب و تهدید جان کودک توسط آن است. جدال اصلی اینجا بر سر حق مذهب و یا حق کودک است و این که چه چیزی در این میان بدان ارجحیت داده شود؟ پدر و مادر دختر بر ضدیت عمل انتقال خون با مذهب جهوا ویتنس تاکید دارند. هر چند که وکیل خانواده در تکمیل توجیه آنان به حق فرد و این که فرد مختار بدن خویش است، نیز ارجاع میکند. اما دادگاه میگوید از آنجایی که پزشکان تشخیص به این نوع مداوا، یعنی انتقال خون سالم به بدن کودک، داده اند و از آنجایی که مریض زیر سن قانونی است، مبنا سلامتی کودک است. و این پاسخ اصلی در چنین وضعیتی است و باید حمایت شود.

هر ساله هزاران کودک در سطح جهان قربانی جهل و خرافه، قربانی قوانین مذهبی و دخالت مذهب در زندگی جامعه میشوند. چه آنجا که مذهب حکم میراند، همچون کشورهای اسلام زده. و چه آنجا که حکومت‌های تا گلو آغشته به مذهب اجازه میدهند تا دستگاه مخوف کلیسا، کنیسه و مسجد و فرقه‌ها و سکت‌های مذهبی با احکام و اعتقادات ارتجاعی و شومشان بر زندگی کودکان چنبره زنند. کودکان دختری که به آنان تحت نام ازدواج تجاوز میکنند، کودکانی که به جنگ‌های قومی و مذهبی گسیل میشوند و یا بخاطر آن گشته میشوند، کودکانی که به بیماری ایدز مبتلا شده صرفاً به دلیل آن که خانواده‌های آنها با تبعیت از دستورات مذهبی از کاندوم استفاده نکرده اند، کودکانی که ختنه میشوند و در موارد بسیار جان میسپارند و این آخری، کودکانی که در قلب کشورهای پیشرفته و صنعتی بخاطر مذهب از انتقال خون و یا پیوند اعضا و غیره محروم میگردند و گشته میشوند. همه و همه، تنها بخشی از آن خشونت‌هاست که بطور آشکار مذهب در قبال کودکان روا میدارد.

کودک مذهب ندارد این را منصور حکمت به درست گفته است. دست مذهب با هر عنوان و با هر شکلی باید از زندگی کودکان کوتاه گردد. نباید اجازه داد جان هیچ کودکی به خاطر

اعتقادات مذهبی خانواده اش در خطر بیفتد. سلامتی، شادابی و شکوفایی کودک بر هر
ملاحظه ای ارجح است. این آن حکمی است که باید جهانشمول گردد تا کودکان نجات یابند.